



MFJ

مجله فقه پزشکی

دوره چهاردهم، شماره چهل و دوم، زمستان ۱۳۹۹

Journal Homepage: <http://journals.sbm.ac.ir/mf>



مقاله علمی پژوهشی

تأثیر معاینات پزشکی زنان در صحت روزه آنها در ماه رمضان؛ مطالعه تطبیقی فقه مذاهب اسلامی

سهیلا رستمی^{*۱}

۱. استادیار گروه فقه شافعی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: انجام معاینات و معالجات پزشکی برای هر فردی امری گریزناپذیر است. حکم مراجعه زنان به پزشک در حالت روزه‌داری در ماه رمضان برای درمان بیماری‌های خاص دستگاه تناسلی یکی از مسائل مهم مورد ابتلای زنان است. در این پژوهش با تکیه بر مبانی فقه اسلامی از طریق تتبع در منابع فقهی اصیل به دنبال پاسخ این پرسش هستیم که چنانچه بانویی در روز ماه رمضان به دلیل بیماری‌های دستگاه تناسلی به پزشک برای معالجه و درمان مراجعه نماید، آیا معالجه مذکور سبب ابطال و افطار روزه می‌گردد یا روزه وی همچنان صحیح است؟

مواد و روش‌ها: پژوهش حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی از نوع تحلیل محتوا است که با واکاوی تطبیقی در متون فقهی مذاهب اسلامی کوشیده حکم معاینه دستگاه تناسلی زنان را در حالت روزه‌داری در ماه رمضان بررسی و تبیین نماید.

نتیجه‌گیری: فقهای مذاهب اسلامی درباره حکم معاینه دستگاه تناسلی در حالت روزه‌داری در ماه رمضان، دو دیدگاه موافق بطلان و مخالف بطلان روزه را با استناد به آیات، احادیث، روایات، دلایل عقلی و پزشکی بیان نموده‌اند. با تکیه بر دلایل ارائه شده توسط قائلین به صحت روزه و نیز توجه به تأثیر اقتضائات زمان در صدور احکام مسائل مستحدثه و پیشرفت‌های علم پزشکی و نیز وجود ضرورت در معاینه و معالجه، دیدگاه قائلین به صحت تقویت می‌شود.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۱

تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۱۰/۲۷

واژگان کلیدی:

زنان
ماه رمضان
مذاهب اسلامی
معاینه پزشکی

* نویسنده مسؤول: سهیلا رستمی

آدرس پستی: سنندج، خ پاسداران، دانشگاه
کردستان، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی،
گروه فقه، اتاق ۲۱۹

پست الکترونیک:

rostamisoheila@gmail. Com
s.rostami@uok.ac.ir

۱. مقدمه

روزه از ارکان دین مبین اسلام است و بر اساس آیات قرآن، منابع اسلامی و تاریخی در میان امت‌های گذشته متداول بوده و در اسلام نیز در شعبان سال دوم هجری واجب شده است. روزه یا صوم در لغت به معنای امساک و خودداری از خوردن، آشامیدن، نکاح و حرف زدن است (۱-۲) و در اصطلاح به این معنا است که مکلف در یک روز تمام از طلوع فجر تا غروب آفتاب با نیت روزه و با رعایت شرایط آن از انجام اموری که سبب ابطال روزه می‌گردند، امساک و خودداری نماید (۳-۷). روزه همچون سایر عبادات دارای ارکان خاص خود است اما فقه‌های مذاهب اسلامی درباره ارکان روزه اتفاق نظر ندارند. احناف و حنابله معتقدند رکن روزه امساک از مفطرات است. مالکیه بر دو دیدگاه هستند که گروهی امساک و نیت را رکن روزه می‌دانند و گروهی معتقدند امساک رکن و نیت شرط است. شافعیه نیز معتقدند نیت، امساک از مفطرات، فرد صائم و قابلیت وقت ارکان روزه هستند. فقه‌های امامیه نیز نیت، امساک از مفطرات و زمان (فرا رسیدن وقت وجوب آن) را رکن روزه می‌دانند (۸-۱۳).

امروزه پیشرفت‌های گسترده و چشم‌گیر بشر در علوم مختلف از جمله علم پزشکی، سبب کشف علل و راه درمان بسیاری از امراض بشر که در طی سالیان متمادی گریبانگیر آن بوده، گردیده است، و بیماری‌های مختص زنان هم از این امر مستثنا نیست. از جمله این امور مراجعه بانوان به پزشک جهت مداوای بیماری‌های خاص شرمگاه (دستگاه تناسلی) و یا قرار دادن آی‌یودی داخل رحم است. معالجه و تشخیص نوع مشکل شرمگاه مستلزم انجام آزمایش‌های داخلی، وارد کردن برخی از ابزارها و نیز مواد و دستگاه‌های مخصوص آزمایش همانند دوربین و غیره به دستگاه تناسلی است. حال سؤال اصلی این پژوهش آن است که چنانچه بانویی در حالت روزه‌داری در ماه رمضان به دلیل بیماری دستگاه تناسلی یا قرار دادن آی‌یودی به پزشک برای معالجه و درمان مراجعه نماید، آیا معالجه مذکور سبب ابطال و افطار روزه می‌گردد یا روزه او همچنان

صحیح است؟ ذکر چنین مسائل مستحدثه‌ای که نتیجه اقتضائات زمان، تغییر و تحولات عصر حاضر است، پاسخی درخور و شایسته می‌طلبد؛ چراکه از یک‌سو احکام فقهی خاص زنان بخش قابل ملاحظه‌ای از نظام فقه اسلامی را دربر گرفته و از سوی دیگر فقه اسلامی فقهی پویا و منطبق با اقتضائات زمان است و قوانین و احکام راکد و غیر قابل انعطاف را بر نمی‌تابد. مقاله حاضر درصدد پاسخگویی به این سؤالات از طریق تتبع در منابع فقهی اصیل و بیان دیدگاه فقها به شیوه تطبیقی میان مذاهب اسلامی است.

۲. مواد و روش‌ها

روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش کتابخانه‌ای و اسنادی و با به‌کارگیری ابزار فیش است. پس از مراجعه به کتابخانه و جستجو و تحقیق در منابع فقهی و پزشکی معتبر و پژوهش در زمینه پرسمان مورد بحث مقاله، یافته‌های مورد نظر در برگه‌های فیش گردآوری و پس از دسته‌بندی مطالب به صورت نوشتار حاضر سامان داده شده است. روش انجام این پژوهش، توصیفی تحلیلی و از نوع تحلیل محتوا است. بر این اساس عناوین اصلی و کلیات بحث توصیف شده و درون مایه آنها در یک فرایند کیفی مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است.

۳. یافته‌ها

درباره حکم مراجعه بانوان به پزشک در حالت روزه‌داری در ماه رمضان برای معالجه و درمان بیماری‌های دستگاه تناسلی یا قرار دادن آی‌یودی و کیفیت تأثیر معالجه و درمان بر صحت و یا بطلان روزه بانوان نظرات فقهی مختلفی مطرح شده است که با بررسی آنها قول به صحت، از دلایل قوی‌تری برخوردار شده است. ۳-۱. **قائلان به بطلان و فساد روزه:** جمهور فقها معتقدند که معالجه پزشکی در روز ماه رمضان - بر اساس شرایطی - مفسد روزه و موجب قضا است. شرایط فقها به تفکیک مذاهب عبارتند از:

(الف) احناف معتقدند به دو شرط زیر روزه باطل است:

(۱) آنچه که وارد شرمگاه می‌شود، در آن استقرار پیدا کند و پنهان شود. (۲) آنچه وارد شرمگاه می‌شود، آغشته به مایعات [آب یا روغن] باشد (۱۴-۱۷).

(ب) مالکیه فساد روزه را مشروط به ورود مایعات به شرمگاه نموده و معتقدند اگر آنچه از طریق شرمگاه زن وارد می‌شود، مایع باشد، مبطل است؛ اما اگر جامد و خشک و غیر قابل هضم و تحلیل باشد مفسد نخواهد بود (۱۸-۲۱).

(ج) شافعیه و حنابله معتقدند هرآنچه که از طریق شرمگاه زن وارد شود، به صورت مطلق مفسد روزه است (۲۲-۲۹).

بنابراین بر اساس شرایطی که بیان گردید، جمهور فقهای حنفی، مالکی و شافعی علت ابطال روزه را دخول شیء به داخل جوف که شرمگاه نیز در زیر مجموعه آن است، صرف‌نظر از مطعوم یا غیرمطعوم بودن شیء در ابطال روزه مؤثر می‌دانند و برای اثبات دیدگاه خود به دلایل زیر استناد نموده‌اند:

آیه ۱۸۷ سوره بقره که می‌فرماید: «أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصَّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتُمُوا الصَّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ».

حدیث ابوهریره از پیامبر (ص): «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَخُلُوفُ فَمِ الصَّائِمِ أَطْيَبُ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى مِنْ رِيحِ الْمَسْكِ يَتْرُكُ طَعَامَهُ وَشَرَابَهُ وَشَهْوَتَهُ مِنْ أَجْلِ الصَّيَامِ لِي وَأَنَا أَجْزَى بِهِ» (۳۰).

قائلان به این قول با توجه به عموم و اطلاق آیه و حدیث مذکور و قیاس مواد و دستگاههای وارده به شرمگاه زن به موارد مذکور در آیه و حدیث به دلیل اشتراک در علت افطار که دخول ماده به بدن از هر منفذی از منافذ بدن است، بدون در نظر گرفتن این مسأله که ماده وارده مطعوم یا غیر مطعوم باشد، آن را مفطر و در زیرمجموعه مفطرات یعنی اکل و شرب مذکور در آیه و حدیث می‌دانند (۳۱-۳۲).

حدیث إِسْمَاعِيلُ بْنُ كَثِيرٍ از پیامبر (ص): «وَلَبَّالَغٌ فِي الْإِسْتِنْشَاقِ، إِلَّا أَنْ تَكُونَ صَائِمًا» (۳۳-۳۴). این گروه معتقدند رسیدن آب به دماغ - چه از طریق تزریق و چه از طرق دیگر - روزه را باطل می‌کند و تفاوتی هم نمی‌کند که از محل ورود غذا و خوراکی باشد یا از طریق سایر منافذ موجود در بدن (۳۵-۳۸).

حدیث ابن عباس: «إِنَّمَا الْوُضُوءُ مِمَّا خَرَجَ وَ لَيْسَ مِمَّا دَخَلَ، وَإِنَّمَا الْفِطْرُ مِمَّا دَخَلَ وَ لَيْسَ مِمَّا خَرَجَ» (۳۹-۴۱). قائلان به بطلان می‌گویند: این حدیث به صراحت علت بطلان روزه را، ورود هر ماده‌ای به درون بدن از طریق منافذ بدن - صرف‌نظر از مطعوم یا غیرمطعوم بودن آن - دانسته و از آنجا که فرج زن نیز منفذ به شمار می‌آید و موادی که به آن وارد می‌شود به معده می‌رسد، بنابراین مفطر است (۴۲).

حدیث عبدالرحمن بن نعمان بن معبد از پیامبر (ص): «أَمَرَ بِالْإِمْدِ الْمُرُوحِ - سِرْمِ آغَشْتَهُ بِهِ مَوَادَّ خُوشِبُو - عِنْدَ النَّوْمِ، وَقَالَ: «لَيْتَهُ الصَّائِمُ» (۴۳). صرف‌نظر از منکر بودن این حدیث بنا به نظر یحیی بن معین (۲۴۰)؛ قائلان به بطلان با قیاس شرمگاه زن به چشم و سِرْمِ کشی آن، به این علت که هر دو منفذ باز هستند و هر دو به معده راه دارند، - صرف‌نظر از مطعوم یا غیرمطعوم بودن آن - معاینات مذکور را مفطر می‌دانند (۴۴-۴۵).

عقل: قائلان به بطلان در کنار دلایل نقلی، به ذکر دلایل عقلی نیز پرداخته‌اند:

(الف) از نظر عقلی دلیل بطلان روزه ورود عین - بدون توجه به مطعوم یا غیرمطعوم بودن آن - از منافذ باز به صورت عمدی به باطن و درون بدن است و باطن عبارت است از آنچه که نام جوف بر آن اطلاق شود یا آنچه قدرت هضم دارو و غذا را داشته باشد و از آنجا که شرمگاه نیز دو قابلیت مذکور را دارد، لذا جمهور فقها آن را از یک جهت جوف به شمار آورده و از جهت دیگر معتقدند چون هر آنچه که از طریق شرمگاه وارد بدن می‌شود به معده می‌رسد، بنابراین ورود مواد به آن مفطر روزه است (۴۶-۵۱).

ب) شرمگاه بر اساس طبیعتش هر مایعی را که در آن چکیده شود، جذب می‌کند و امکان خروج از آن به جز همراه با چیز دیگری وجود ندارد (۵۲).

ج) شرمگاه زن دارای دو بخش خارجی و داخلی است. فقها در بحث طهارت درباره کیفیت استنجاء گفته‌اند: در هنگام نشستن برای استنجا بخش خارجی شرمگاه نمایان می‌شود که حکم عضو خارجی را دارد و طهارت و شستن آن بر زن واجب می‌گردد. اما بخش داخلی که حکم عضو باطن را دارد، طهارت و شستن آن بر وی الزامی نیست؛ اما با این حال، با رسیدن هر چیزی (ماده‌ای) به این بخش داخلی، روزه زن باطل می‌شود (۵۳-۵۴).

۲-۳. نقد دلایل قائلان به بطلان: در این بخش، دلایل شکل‌گیری اعتقاد به بطلان روزه زن، در صورت مراجعه به پزشک و معاینه در ماه رمضان مورد بازبینی و نقد قرار می‌گیرد تا بسترهای نظری لازم برای اتخاذ رویکرد جدید و اقرب به منظور شارع فراهم شود.

همان‌طور که پیش‌تر ذکر گردید، استناد به آیه ۱۸۷ سوره بقره و حدیث ابوهریره، از جمله مستندات قائلان به بطلان روزه می‌باشد که در نقد آنها می‌توان گفت اولاً: قیاس مذکور، (قیاس مطعوم به غیر مطعوم) قیاس مع‌الفارق است و ثانیاً: استناد به قیاس زمانی قابل پذیرش است که از طرف شارع در این زمینه کلامی بیان نشده باشد؛ حال آنکه در این مسأله هم در کتاب و سنت، و هم اجماع به صراحت علت ابطال روزه بیان شده اما درباره ورود شیء به فرج زن از طرف شارع مطلبی بیان نشده (۵۵) و این موضوع از جمله موارد مسکوتی است که امر و نهی مشخصی از جانب شارع درباره آن نیامده است بنابراین می‌توان با توجه به حکمت حکم و در نظر گرفتن مقتضیات زمان و مکان و عرف و شرایط جعل حکم، نسبت به نفوذ حکم مزبور در شرایط و اوضاع و احوال متفاوت تردید کرد و وضع و تصویب حکم دیگری را متناسب با شرایط، و در راستای توجه به حکمت و فلسفه حکم اولی تجویز نمود و آن را اجتهاد ممنوع در مقابل نص به شمار نیاورد (۵۶-۵۷).

حدیث إِسْمَاعِيلُ بْنُ كَثِيرٍ نیز از جهات زیر قابل نقد و بررسی است:

الف) تعارض این حدیث با احادیث صحیح و استنباط فقها و محدثان از عموم و اطلاق حکم به‌عنوان مثال با «بَابُ قَوْلِ النَّبِيِّ (ص) إِذَا تَوَضَّأَ فَلْيَسْتَنْشِقْ بِمَنْخِرِهِ الْمَاءَ» در صحیح بخاری که در توضیح آن نوشته شده این حدیث بین روزه‌دار و غیرروژه‌دار در استنشاق تفاوتی قائل نشده و عام است (۵۸).

ب) در صورت پذیرش صحیح بودن حدیث مذکور، این نکته قابل توجه است که شاید حکم مذکور در حدیث عام نباشد و خطاب به شخصی خاص و در جواب سؤال وی درباره وضو باشد (۵۹).

ج) پذیرش این حکم که ورود آب از طریق بینی سبب ابطال روزه می‌شود، قابل تعمیم و قیاس به سایر امور نیست؛ زیرا اصل در عبادات، متوقف شدن در سطح نصوص است و قیاس در عبادات جایز نیست (۶۰).

د) درکنار همه نقدهای پیش‌گفته، نهی مذکور در این حدیث را می‌توان بر کراهت حمل نمود؛ زیرا از دیدگاه بسیاری از علما همانند حسن بصری، احمد، اسحاق و ابو ثور، ورود آب به گلو در اثنای مبالغه در استنشاق، مبطل روزه نیست (۶۱). و علاوه بر آن بینی از منافذی است که به معده راه دارد اما دستگاه تناسلی راه ورودی به معده ندارد.

حدیث ابن عباس نیز اولاً: به دلیل آنکه در سلسله اسناد آن فَضْلُ بْنُ مُخْتَارٍ (یا فضیل بن مختار) و شعبه مولای ابن عباس هستند و هر دو ضعیفند (۶۲-۶۳)، قابل استناد نیست. ثانیاً: به فرض صحیح بودن این حدیث، منظور از آن این است که آنچه سبب ابطال روزه روزه‌دار می‌گردد، رسیدن چیزی به درون بدن او است که مایه تقویت بدن گردد (۶۴) و این در حالی است که از لحاظ پزشکی ثابت شده که میان فرج و معده هیچ‌گونه راه ارتباطی‌ای وجود ندارد و بنابراین آنچه که از طریق فرج وارد بدن شود، به معده نمی‌رسد و بدن از آن بهره‌مند نمی‌گردد (۶۵-۶۸).

حدیث عبدالرحمن نیز به صورت زیر قابل نقد است:

۳-۳. **قائلان به عدم بطلان و فساد روزه:** فقهای امامیه، ابوعلی مسناوی مالکی، ابن تیمیه و ابن قیم از حنابله، و نیز ظاهریه بر این باورند آنچه که در روز رمضان به شرمگاه زن وارد شود، مبطل روزه او به شمار نمی‌آید؛ زیرا معتقدند افطار در روزه با وصول عین به شکم از منفذ معتاد به شرط اینکه خوردنی و آشامیدنی باشد، حاصل می‌شود (۸۸-۹۲).

قاضی حسین شافعی در قولی شاذ، معتقد است وصول شیء به مثانه مفطر نیست. (۲۴۱). فقهای امامیه نیز معتقدند افطار زمانی حاصل می‌شود که شیئی هرچند غیر متعارف - مانند تگرگ - (۹۳)، با اراده شخص از راه دهان یا از راهی غیر از دهان - بینی - وارد حلق، و سپس از طریق حلق به جوف وارد شود، و چنانچه وصول و ورود شیء از راه حلق نباشد مفطر نیست؛ مگر اینکه دلیل خاصی بر آن دلالت کند (۹۴-۹۷) و در این زمینه استناد می‌کنند به:

آیه ۱۸۷ سوره بقره: «أَحَلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصَّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتُمُوا الصَّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ».

حدیث: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَخُلُوفُ فَمِ الصَّائِمِ أَطْيَبُ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى مِنْ رِيحِ الْمِسْكِ، يَتْرَكُ طَعَامَهُ وَشَرَابَهُ وَشَهْوَتَهُ مِنْ أَجْلِي» (۹۸).

قائلان به این دیدگاه معتقدند بر اساس آیه و حدیث مذکور علت ابطال روزه شامل سه مورد خوردن، نوشیدن - یعنی وصول عین به شکم از منفذ معتبر فقهی - و همبستری است و نصوص مذکور متعرض آنچه که از طریق شرمگاه و بدون رابطه زناشویی وارد بدن شود، نشده‌اند. علاوه بر این‌ها امکان عمل خوردن و نوشیدن از طریق شرمگاه وجود ندارد (۹۹-۱۰۰). بر اساس این دیدگاه شرمگاه از زیر مجموعه اکل و شرب مورد نظر آیه و حدیث خارج می‌شود.

الف) ضعف حدیث؛ زیرا در اسناد آن پدر عبدالرحمن بن نعمان وجود دارد که سیره او مشخص نیست و فردی مجهول است. شوکانی به نقل از ذهبی گفته: «او از سعید بن اسحاق روایت کرده و سپس نام او را منقلب ساخته» و گفته: «از اسحاق بن سعید بن کعب». سپس در نقل حدیث نیز اشتباه کرده و گفته: «از پدرش، از پدر بزرگش. و علاوه بر اینها، نعمان بن معبد غیرمعروف است، و خود عبدالرحمن نیز ضعیف است. و این حدیث نیز منکر است» (۶۹-۷۰).

ب) تعارض این حدیث با حدیث ابن ماجه در «کتاب الصوم: بَابُ مَا جَاءَ فِي السَّوَاكِ وَالْكُحْلِ لِلصَّائِمِ» که از عایشه روایت کرده، و گفته: «كَتَحَلَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَلَهُوَ صَائِمٌ» (۷۱). بر اساس این حدیث پیامبر (ص)، شخصاً این کار را انجام داده‌اند، و نهی از آن در حدیثی دیگر سبب ایجاد تعارض است.

ج) تعارض این حدیث با حدیث ترمذی در «کتاب الصوم: بَابُ مَا جَاءَ فِي الْكُحْلِ لِلصَّائِمِ» که از مالک بن انس روایت کرده و گفته: «جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ (ص) فَقَالَ: اشْتَكَيْتُ عَيْنِي، أَفَأَكْتَحِلُ وَأَنَا صَائِمٌ؟ قَالَ: نَعَمْ» (۷۲). براساس این حدیث پیامبر (ص) امر به اکتحال نموده و اگر این کار ایرادی شرعی داشت قطعاً پیامبر از آن نهی می‌کردند، و به صراحت بر آن تقریر نمی‌نمودند.

د) به فرض پذیرش صحیح بودن حدیث، امر مذکور در آن حمل بر وجوب نمی‌گردد، بلکه بیانگر کراهت است؛ زیرا جمهور فقها بر این باورند که سرمه کشیدن روزه را باطل نمی‌کند (۷۳-۷۷).

استدلال مبتنی بر دلایل عقلی نیز به این صورت قابل نقد و بحث است که هرچند با توجه به تعریف ارائه شده برای جوف، از دیدگاه قائلان به بطلان شرمگاه جوف به شمار می‌آید؛ اما شرمگاه جوف مد نظر فقهی در روزه نیست (۷۸-۸۳). علاوه بر این امروزه از لحاظ پزشکی نیز ثابت شده که در میان شرمگاه و معده هیچ‌گونه ارتباطی وجود ندارد و چنانچه مایعی وارد و جذب در شرمگاه شود، به معده وارد نمی‌شود و بدن از آن بهره‌مند و برخوردار نمی‌گردد (۸۴-۸۷).

است کسی این فعل - بوسیدن - از او سر زده باشد و برای استفتاء و اطلاع از صحت روزه خود نزد پیامبر (ص) رفته و پیامبر (ص) نیز نسبت به صحت روزه او فتوا داده باشد و این امر حمل بر دادن رخصت به صحابه از طرف پیامبر (ص) به صورت عام نمی شود (۱۰۴).

استناد به روایت محمد بن مسلم از امام باقر (ع) یا امام صادق (ع): «سئل عن المرأة تكتحل و هي صائمة فقال إذا لم يكن كحلا تجد له طعاماً في حلقها فلا بأس» (۱۰۵-۱۰۷). بر اساس این روایت مادامی که طعم سرمه در حلق احساس نشود، مبطل نخواهد بود زیرا از دیدگاه فقهای امامیه افطار زمانی حاصل می شود که شیئی هر چند غیر متعارف، با اراده شخص از راه دهان یا از راهی غیر از دهان - بینی - وارد حلق، و از آنجا به جوف داخل شود.

استناد به صحیحۀ أحمد بن ابی نصر که از ابوالحسن (ع): «أنه سأله عن الرجل يحتنن تكون به العلة في شهر رمضان فقال: الصائم لا يجوز له أن يحتنن» (۱۰۸-۱۱۰).

فقهای امامیه بر اساس این روایت و نیز روایت موثق حسن بن فضال (۱۱۱) و روایت علی بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر (ع) (۱۱۲-۱۱۳) معتقدند آنچه از راه قُبل و دُبر (جلو و عقب انسان) در حال روزه وارد می شود مبطل نیست مگر احتقان با مایع که آن مبطل روزه است (۱۱۴-۱۱۷).

عقلاً چیزی مبطل روزه است که به معده برسد و از آنجا که چیزی که بدون رابطه زناشویی از طریق شرمگاه زن وارد بدنش می شود، نه خوراکی است و نه نوشیدنی و نه غیره، و نه اینکه به معده، یعنی محل خوراک و نوشیدنی می رسد، بنابراین مبطل روزه نیست (۱۱۸-۱۱۹).

قیاس آنچه که بدون رابطه زناشویی به شرمگاه زن وارد می شود به داخل نمودن انگشت به دهان: قائلان به عدم بطلان می گویند: کسی که انگشت خود را به دهانش فرو کند روزه اش باطل نمی گردد چرا که از این طریق چیزی به درون بدن وی وارد نمی شود و بنابراین کسی هم که انگشتش را در شرمگاه

از سوی دیگر چنانچه ورود شیء به درون شرمگاه زن در روز ماه رمضان مبطل روزه بود حتماً پیامبر (ص) آن را بیان می نمود و اگر پیامبر آن را ذکر می کردند بی تردید صحابه به آن علم داشتند و آن را همانند سایر دستورات شرع برای مردم بیان می نمودند؛ اما از آنجا که هیچ یک از اهل علم در این باره حدیثی صحیح یا مرسل از پیامبر (ص) نقل نکرده اند، بنابراین معلوم می شود که پیامبر مطلبی را در این باره نفرموده اند (۱۰۱) و این مسأله از موارد مسکوتی است که شارع درباره آن حکمی بیان ننموده و تشخیص مصادیق و جزئیات زیر مجموعه آن را همچون سایر احکام فقهی به نظر اهل اجتهاد و شرایط و اوضاع و احوال و اقتضائات زمان إحاله و ارجاع نموده است.

لازم به ذکر است که در نقد دلایل فوق می توان گفت: هر چند این دلایل در نگاه اول یک حکم، مُحکَم شرعی و یک دلیل موجه و قابل تأمل به نظر می رسند اما شرط نیست که نصوص قرآن و سنت هر مسأله جزئی را به تفصیل بیان کنند بلکه احکامی را به صورت عام بیان می کنند و فقها بر اساس آنها سایر احکام را از طریق اجتهاد استنباط می نمایند (۱۰۲). علاوه بر اینها این مسأله خاص زمان حاضر است و پاسخگویی به آن در این زمان قابل بررسی و اجتهاد است.

حدیث عایشه: «إِنْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لَيَقْبَلُ بَعْضَ أَزْوَاجِهِ وَ هُوَ صَائِمٌ»، ثُمَّ ضَحِكَتْ. این گروه با قیاس بوسیدن همسر در ماه رمضان به عنوان مرحله مقدماتی انگیزه های همبستری، به مضمضه به عنوان مرحله ابتدایی و مقدماتی نوشیدن، می گویند از آنجا که مراحل اولیه نوشیدن روزه را باطل نمی کند پس مراحل اولیه همبستری نیز روزه را باطل نمی سازد (۱۰۳)؛ زیرا تا زمانی که آب در درون دهان باشد و به گلو و درون بدن شخص وارد نشده باشد، مبطل روزه نیست و بنابراین هر چیزی که بدون رابطه زناشویی از طریق شرمگاه زن وارد بدن شود روزه را باطل نمی کند زیرا به معده نمی رسد.

استناد به این حدیث از دو جهت قابل نقد است: الف) شاید این امر از ویژگی های خاص پیامبر (ص) بوده باشد. ب) ممکن

استفراغ (قیء) عمدی با استناد به حدیث: «من ذرعه القيء فلا قضاء علیه، و من استقاء فعليه قضاء» (۱۳۴).

خروج خون حیض یا نفاس در روز ماه رمضان (۱۳۵-۱۴۰). استخراج منی (با استمناء) یا مزی با مباشره یا تقبیل بما دون الفرج، و یا نظر و فکر (۱۴۱-۱۵۱).

شایان یادآوری است، برخی از فقهای مالکیه معتقدند استخراج منی بدون جماع با استمناء یا مساحقه یا بوسه و معانقه موجب کفاره است و استمناء با نظر و فکر بدون مداومت (بدون استمرار) کفاره را واجب نکرده، تنها قضای روزه را واجب می‌کند (۲۴۲).

باقی ماندن بر جنابت عمدی تا سپیده صبح، دروغ بستن عمدی به خدای تعالی و پیامبر (ص) و ائمه (ع) بنا بر اقوی، احتقان با مائع (۱۵۲-۱۵۳).

ابتلاع نخامه و مبالغه در مضمضه و استنشاق (۱۵۴).

اکتحال، حجامت و ارتداد (۱۵۵).

رسیدن چیزی (وصول شیء مادی) به جوف روزه‌دار عالمأ و عامداً از راهی که شرع آن را معتبر دانسته و بر آن اطلاق جوف کرده است (۱۵۶-۱۶۱). تعبیر فقهای مذاهب اسلامی از جوف متفاوت بوده، محور اختلاف قرار گرفته است. بنابراین مفطرات روزه را می‌توان به دو دسته زیر تقسیم‌بندی کرد:

• مفطرات مورد اتفاق که در آیه ۱۸۷ سوره بقره بیان شده و شامل اکل و شرب و جماع عمدی است.

• مفطرات مورد اختلاف و آن مفطراتی است که: الف) در احادیث و روایات ذکر شده که دربارهٔ صحت و سند آنها بین فقها اختلاف نظر وجود دارد. ب) مفطراتی که فقها با قیاس بر مفطرات مذکور در کتاب و سنت، آن را بیان کرده‌اند. علت اصلی اختلاف فقها در بند (ب) از یک سو قیاس مواد غیرمغذی به مواد مغذی است؛ حال آن که منطوق آیه و مفطرات مدنظر قرآن مواد مغذی است و بنابراین گروهی که روزه را عبادتی معقول‌المعنی می‌دانند قائل به چنین قیاسی نیستند اما معتقدان به غیر معقول‌المعنی بودن روزه با اعتقاد به اینکه هدف از تشریع روزه فقط امساک از مفطراتی است که از طریق

خود فرو کند یا هر نوع ماده‌ای را از آنجا به منظور مداوا وارد بدن خویش سازد، روزه‌اش باطل نمی‌گردد؛ زیرا با این کار چیزی به معده نمی‌رسد (۱۲۰-۱۲۱).

لازم به ذکر است که در نقد این استدلال می‌توان گفت: این قیاس، قیاس مع الفارق است؛ زیرا علت بطلان روزه، ورود شیء به بدن است نه آنچه که در خارج از بدن باقی می‌ماند؛ زیرا آنچه وارد دهان می‌شود و به گلو (حلق) وارد نمی‌گردد، خارج قلمداد می‌شود؛ اما آنچه که وارد شرمگاه می‌شود به عنوان شی‌ای که وارد بدن شده، محسوب می‌گردد (۱۲۲-۱۲۳).

۴. بحث و بررسی دیدگاه‌های مذکور و بیان رأی راجح (برگزیده)

ترجیح بین دو رأی مذکور و پاسخ به سؤال پژوهش بدون تحقیق و بررسی به دلیل خلأها و ابهامات موجود در میان آنها، کاری بس دشوار است. بنابراین برای تبیین موضوع مورد نظر و رفع بسیاری از ابهامات و سهولت ترجیح در میان اقوال مذکور، ذکر مباحث زیر ضروری به نظر می‌رسد:

۴-۱. براساس آنچه گذشت امساک از مفطرات مهم‌ترین رکن روزه و وجه مشترک میان مذاهب اسلامی است. مفطرات جمع مفطر و نقیض روزه (صوم) است (۱۲۴-۱۲۵). مفطرات یا مفسدات اصطلاحاً به چیزهایی (اموری) گفته می‌شود که سبب ابطال روزه می‌گردند (۱۲۶-۱۲۷). فقهای مذاهب اسلامی با استناد به آیات و احادیث و روایات مجموعه‌ای از مفطرات را بیان نموده‌اند (۱۲۸-۱۳۳) که عبارتند از:

اکل و شرب عمدی چه جنبه غذایی داشته باشد و چه دارویی، و حتی اگر آنچه روزه‌دار تناول می‌نماید عادتاً خوراکی محسوب نشود مانند سنگ و خاک با استناد به مفهوم مخالف آیه ۱۸۷ سوره بقره: «كُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتُمُوا الصَّيَّامَ إِلَى اللَّيْلِ».

جماع عمدی با استناد به مفهوم مخالف آیه ۱۸۷ سوره بقره که می‌فرماید: «أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصَّيَّامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ».

زن و دماغ - به شرط استقرار و ثبوت آن ماده در داخل منافذ مذکور، مفسد روزه دانسته‌اند (۱۷۳-۱۷۶). به نظر احناف، دماغ با منافذ اصلی مرتبط است و به همین خاطر جوف محسوب می‌شود.

مالکیه معتقدند جوف شامل حلق، معده و روده‌ها است. و سایر حفره‌هایی که در درون بدن انسان وجود دارد آنهایی که به یکی از این سه حفره (جوف) راه دارد و به آن مرتبط است حکم این سه مورد را دارد و جوف معتبر فقهی به حساب می‌آید اما اگر بین حفره مذکور با این سه حفره راه ارتباطی وجود نداشته باشد، جوف فقهی به شمار نمی‌آید (۱۸۴-۱۷۷)؛ البته مالکیه درباره اینکه دبر و فرج و دماغ جوف هستند یا نه، اختلاف نظر دارند. بنابراین، از دیدگاه مالکیه بینی، چشم و گوش و حتی تزریق در دُبر یا قُبل، نه تزریق در إَحلیل جوف به شمار می‌آید (۱۸۵). همچنین اگر ماده‌ای مایع و نه جامد از راه دهان وارد بدن شخص شود، سپس آن را استفراغ نماید و برگرداند، مفطر روزه است. علاوه بر این‌ها مالکیه بین مایعات و جامدات تفاوت قایل شده و معتقدند جامدات زمانی مفطر روزه هستند که از منفذی عالی وارد بدن شوند و تفاوتی نمی‌کند که آن منفذ گشاد باشد یا تنگ، برخلاف آنچه که به معده از طریق منفذی سافل وارد می‌شود و شرط آن است که منفذ سافل گشاد باشد مانند دُبر و قبل زن و الثقبه (سوراخ قُبل زن) نه مانند إَحلیل، بر خلاف مایعات که چه از منفذی عالی باشد یا سافل مفطر است (۱۸۶-۱۸۹).

شافعیه نیز با توجه به معنای لغوی در تعریف جوف دو دیدگاه را بیان نموده‌اند. اکثر شافعیه در تعریف جوف فقهی معتبر، مفهومی عام و کلی بیان نموده‌اند، به این صورت که معتقدند تمامی جوف‌ها و حفره‌هایی که در درون بدن انسان وجود دارد فی نفسه جوف معتبر محسوب می‌شود و در صورتی که عین یا ماده‌ای از آن حفره یا منفذ به درون بدن انسان وارد شود، مفسد روزه است چه راه ارتباطی با حلق، معده و روده داشته باشد یا نداشته باشد. بعضی از فقهای شافعیه نیز جوف را مشروط نموده‌اند به اینکه جوف مذکور بتواند غذا و مواد

جوف وارد بدن می‌شود، بین مغذی و غیرمغذی مساوات قائل شده‌اند (۱۶۲)، و در نتیجه چون شرمگاه را نیز جوف به حساب آورده‌اند، ورود شیء به داخل آن را نیز مبطل روزه دانسته‌اند. از سوی دیگر علت افطار از دیدگاه قائلان به بطلان ورود شیء به داخل بدن - چه خوراکی و چه غیر خوراکی - است اما قائلان به عدم بطلان می‌گویند افطار در روزه با وصول عین به شکم از منفذ معتاد به شرط اینکه خوردنی و آشامیدنی باشد، حاصل می‌شود و جوف را منحصر در شکم می‌دانند.

۴-۲. بررسی مفهوم جوف: بررسی آرای مطرح شده از سوی فقها درباره بطلان یا عدم بطلان روزه خانمی که در روز ماه رمضان برای معالجه اقدام می‌نماید نشان می‌دهد که اختلاف اصلی فقها در تعریف جوف و مصادیق آن است و پاسخ سؤال تحقیق حاضر نیز در گرو روشن شدن معنای جوف و مصادیق آن است و اینکه آیا قُبل یا شرمگاه زن جزو جوف (شرعی) به شمار می‌آید یا نه؟ در ادامه به بررسی مفهوم جوف به تفصیل پرداخته خواهد شد.

۴-۲-۱. جوف در لغت: واژه «جوف» در زبان عربی بر هر چیز تو خالی یا میان تهی اطلاق می‌گردد و جوف الانسان یعنی شکم انسان. و الأجوفان به معنای شکم و شرمگاه است. و جوف کل شیء یعنی: باطن هر چیز که قابل پر و خالی کردن باشد و جمع آن اجواف است (۱۶۳-۱۶۵). الجائفة نیز ضربه‌ای است که به جوف بدن برسد و در آن نفوذ کند (۱۶۶-۱۷۱). در حدیث نیز آمده: «وَلَقِيَ الْجَائِفَةَ ثُلُثُ الدِّيَةِ» (۱۷۲).

۴-۲-۲. جوف از دیدگاه فقها: استقراء در کتب فقهی حاکی از آن است که فقها نه تنها جوف را تعریف ننموده‌اند بلکه ضابطه معینی را نیز برای آن قرار نداده‌اند و در تعریف آن اختلاف نظر دارند:

احناف معتقدند جوف منافذ یا فضاهای خالی یا میان تهی درون بدن انسان است و بنابراین ورود هر شیء یا ماده‌ای را چه مادی مانند خاک و کاغذ و چه باطنی و معنوی به صورت تزریقی و یا ریختن آن در بینی و گوش و یا مداوای مأمومه و جائفه، از طریق منافذ اصلی بدن - دهان، بینی، گوش، شرمگاه

دریافتی را از حالی به حال دیگر تغییر دهد یا اینکه آن منفذ راه ارتباطی باشد برای منفذی که سبب تغییر و تحول غذا و دارو می‌گردد مانند حلق، دماغ، شکم، روده‌ها، مثانه، جائفه، مأمومه، داخل گوشه‌ها، و احلیل و قُبُل و دبر (پیش و پس) و علاوه بر آن به خارج بدن نیز راه داشته باشد یعنی منفذی باز باشد (۱۹۷-۱۹۰).

جمهور حنبله نیز همچون شافعیه مفهوم عامی را برای جوف در نظر گرفته و معتقدند ورود شیء (ماده) به هر منفذی که به معده راه دارد - دماغ، حلق، باطنِ فرج، دبر (به جز احلیل)، و مانند آن مفطر است (۱۹۸-۲۰۲).

فقه‌های امامیه معتقدند منظور از جوف حلق است و بنابراین وصول شیء از طریق حلق چه به صورت معتاد و چه غیرمعتاد باشد، کیفیت اکل متعارف باشد یا غیر متعارف، ورود شیء از راه دهان باشد، یا بینی و یا غیر این‌ها مفطر است (۲۰۵-۲۰۳).

۴-۲-۳. جوف در علم پزشکی: هر چند در کتب قدیمی طب واژه جوف تعریف نشده اما از دو نوع جوفِ اُعلی - شامل سیستم تنفسی، سینه، قلب و ریه - و جوفِ اُسفل - شامل دستگاه و سیستم گوارشی، معده، امعاء و احشاء - نام برده شده است (۲۰۸-۲۰۶). در پزشکی جوف، تنها به فضای خالی شکم محدود نمی‌گردد و در جسم انسان نقاط میان تهی فراوانی وجود دارد که یکی از آنها شرمگاه یا دستگاه تناسلی زن است و از آنجا که بررسی آناتومی دستگاه تناسلی زن و نیز بررسی مکان و مجاورت‌های رحم در تبیین حکم این مسأله حائز اهمیت است؛ لذا در ادامه به بررسی آن پرداخته خواهد شد.

شرمگاه یا دستگاه تناسلی زن از دو بخش عمده خارجی و داخلی تشکیل شده است. دستگاه تناسلی خارجی شامل فرج (ولو)، مهبل (واژن) و پرده بکارت (هایمن) است (۲۰۹-۲۱۲). دستگاه تناسلی داخلی نیز از واژن، رحم، لوله‌های فالوپ (لوله‌های رحمی) و تخمدان‌ها تشکیل شده است (۲۱۳).

رحم غیر باردار معمولاً در لگن کوچک قرار گرفته، به‌طوری‌که تنه آن روی سطح فوقانی مثانه و گردن آن میان مثانه و راست‌روده (رکتوم) قرار گرفته است (۲۱۴). بنابراین رحم بر

روی رکتوم قرار گرفته و بالای رحم مثانه قرار دارد. به این صورت که روده مانند فرشی است که زیر رحم قرار گرفته و مثانه نیز بالای آن را پوشانده تا از صدمات ناشی از زمان بارداری به رحم جلوگیری نماید. رحم به رابط‌هایی متصل است که هنگام بارداری این قدرت را به رحم می‌دهد که از تمام جهات کشیده شود بدون اینکه ضرری به آن برسد. در انتهای گردنِ رحم، شرمگاه (فرج) قرار دارد (۲۱۵-۲۱۷). بنابراین هرچند بر اساس تعریف پزشکی شرمگاه نیز جوف و از نقاط میان تهی به شمار می‌آید اما به معده راه ندارد.

۴-۳. همان‌طور که ذکر گردید فقها تعریف اصطلاحی و ضابطه‌مندی از «جوف» ارائه نکرده‌اند، بلکه با تکیه بر مفهوم لغوی و عرفی، هر مذهب دیدگاه خود را در تعریف جوف و مصادیق آن بیان نموده، که نتایج زیر را دربر داشته است:

سبب توسع در تعریف جوف گردیده است.

بیان حکم فقهی ضابطه‌مندی را درباره جوف دشوار نموده است؛ زیرا از دیدگاه جمهور وصول شیء به جوف یا هر قسمت توخالی از بدن انسان صرفنظر از مطعوم یا غیر مطعوم بودن آن، معیار بطلان و فساد در روزه است؛ اما سایر فقها جوف را منحصر در معنای خاص آن و افطار را صرفاً با مفطرات مذکور در نص می‌دانند.

علاوه بر این‌ها در قرآن و سنت آیه یا حدیثی که به صراحت معنای جوف مورد نظر در روزه را بیان نماید، وجود ندارد؛ بلکه مفطرات روزه به صورت عام و کلی ذکر شده و این مسأله نشان‌دهنده آن است که تشخیص مصادیق و جزئیات زیر مجموعه آن، همچون سایر احکام فقهی به نظر اهل اجتهاد و شرایط و اوضاع و احوال و اقتضائات زمانِ حاله و ارجاع داده شده است. شایان یادآوری است واژه «جوف» به معنایی که در سنت ذکر شده، در روزه مورد نظر نیست (۲۴۵-۲۴۷).

قیاس مواد وارده به شرمگاه برای مداوا به جماع صحیح نیست؛ زیرا حتی با فرض پذیرش صحت قیاس، آنچه که برای مداوا وارد عضو تناسلی زن می‌گردد، سبب تغذیه و تقویت جسم زن نمی‌گردد؛ بلکه در اکثر موارد سبب ایجاد دردهای متعددی

نشود؛ لذا در این زمینه نیز می‌توان به همین قاعده و نیز قاعده «الضَّرُورَاتُ تُبَيِّحُ الْمَحْظُورَاتِ» (۲۲۶) استناد نمود.

توجه به قاعده «لَا يَنْكُرُ تَغْيِيرُ الْأَحْكَامِ بِتَغْيِيرِ الزَّمَانِ» (۲۲۷) و اقتضائات زمان و مکان و نیز پیشرفت‌های بشر در علم پزشکی نیز در این مسأله قابل تامل است؛ زیرا دخیل نمودن زمان و مکان می‌تواند دو تأثیر مهم داشته باشد؛ اول آنکه زمان و مکان در فهم انسان از دین و معارف دینی می‌تواند مؤثر باشد؛ یعنی دانسته‌ها و مجموعه علوم و معارف بشری در فهم انسان تأثیرگذار است و دیگری تأثیر زمان و مکان بر مصادیق، موضوعات و متعلقات احکام است (۲۲۸). بنابراین توجه به نقش اقتضائات زمان در اجتهاد، موجبات انطباق فقه اسلامی را با شرایط و موارد کاملاً متفاوت و نوین فراهم آورده و سبب استمرار و غنای فقه اسلامی خواهد گردید و در نتیجه در سایه وجود این عنصر پویا و کارآمد، مدیریت فقهی و حکومت دینی می‌تواند با توجه به اصول و مبانی فقهی و کلامی در باب هر یک از مسائل مستحدثه و مخصوصاً در مسائل زنان راه‌حل سازگار با تعالیم دینی ارائه دهد (۲۲۹).

براساس مصوبه شماره ۱۰۵/۱/۹۹، در دهمین همایش مجمع بین‌المللی فقه اسلامی که در جده در تاریخ ۲۳ تا ۲۸ صفر سال ۱۴۱۸ ه. - ۱۹۹۷ م، با عنوان «المفطرات فی مجال التداوی» برگزار شد، مقرر گردید: «داخل نمودن (فرو بردن) شیاف‌ها، شست‌وشو دهنده‌ها، دوربین مهیلی، یا انگشت به درون مهبل جهت آزمایش و معالجه، از جمله عوامل باطل‌کننده روزه به شمار نمی‌آید (۲۳۰) و علاوه بر این بر اساس مصوبه مجمع فقه اسلامی و انجمن‌های فقه پزشکی جوف مد نظر در روزه، دستگاه گوارشی - شامل دهان، مری، معده، روده‌ها، کبد و طحال - است (۲۳۱-۲۳۳).

پس از بررسی و جرح و تعدیل دلایل هر دو گروه می‌توان گفت دیدگاه قائلان به عدم بطلان روزه به دلیل قوت ادله، راجح به نظر می‌رسد اما از آنجا که روزه از عبادات است و در

می‌شود و در اثنای مداوا جسم زن را نیز ضعیف می‌گرداند. از سوی دیگر پذیرش این قول با مقاصد شریعت و نیز قاعده «المشقة تجلب التيسير» (۲۱۸) منافات دارد.

بر اساس تعریف علم پزشکی و بررسی آناتومی دستگاه تناسلی زن، درست است که فرج، جزو نقاط میان تهی بدن به شمار می‌آید و امکان جذب داروهایی همچون شیاف و نیز شست و شوی داخلی مهبل و نیز وارد کردن دوربین به رحم وجود دارد (۲۱۹-۲۲۱)؛ اما شرمگاه از منافذی که به معده راه داشته باشد، نیست.

با استناد به آیه «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» (بقره/۱۸۵) و «مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» (حج/۷۸) و حدیث «يَسْرُوا وَلَا تَعْسَرُوا وَبَشَرُوا وَلَا تَنْفَرُوا» (۲۲۲)؛ «و إنما بُعثتم ميسرين و لم تبعثوا معسرين» (۲۲۳)؛ هدف از تشريع دين فراهم نمودن اسباب آسانی و يسر برای بندگان است و در نتیجه چنانچه شرمگاه جوف و معاینه آن مبطل روزه به شمار آید سبب ایجاد مشقت و حرج برای بانوان به دلیل مبتلا به بودن معاینه و معالجه در میان ایشان، خواهد بود.

استناد به قاعده «الْأَصْلُ فِي الْأَشْيَاءِ الْإِبَاحَةُ حَتَّى يَدُلَّ الدَّلِيلُ عَلَى التَّحْرِيمِ»، فقها اکثراً بر این قاعده اتفاق نظر دارند (۲۲۴). پیامبر اکرم (ص) نیز در این باره می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ فَرَائِضَ فَلَا تَضِيعُوهَا وَحُدَّ حَدُودًا فَلَا تَعْتَدُوهَا، وَحَرَّمَ الْأَشْيَاءَ فَلَا تَنْتَهِكُوهَا، وَسَكَتَ عَنْ أَشْيَاءَ رَحِمَهُ بِكُمْ غَيْرَ نَسِيَانٍ فَلَا تَبْحَثُوا عَنْهَا» (۲۲۵). بر اساس این قاعده اصل در هر چیزی بر اباحه و جواز آن است. این قاعده بیان می‌کند که دایرة محرمات در شریعت اسلامی بسیار محدود می‌باشد و دایرة حلال‌ها بسیار وسیع و گسترده است. با استناد به این قاعده می‌توان گره بسیاری از مشکلات را گشود، البته تا جایی که سبب حلال شدن حرامی و یا حرام شدن حلالی نگردد و از خطوط و چارچوب کلی و مقرر در شریعت اسلامی خارج

مسائل عبادی شرط اصلی بر رعایت احتیاط است (۲۳۴-۲۳۹) بنابراین چنانچه ضرورتی وجود نداشته باشد، بهتر است مراجعه به پزشک و معاینه و معالجه، به جهت رعایت احتیاط و خروج از خلاف بین فقها و نیز استناد به حدیث پیامبر (ص) که می‌فرماید: «دَعْ مَا يَرِيكَ إِلَى مَا لَا يَرِيكَ»، به بعد از غروب آفتاب و یا پایان ماه رمضان موکول گردد.

۵. نتیجه‌گیری

مراجعه به پزشک و انجام معاینات پزشکی از جمله امور گریزناپذیر برای هر فرد است و لاجرم بانوان نیز برای معالجات خاص خود مجبور به مراجعه به پزشک زنان هستند. فقهای مذاهب اسلامی درباره حکم معاینه دستگاه تناسلی در روز ماه رمضان با هم اختلاف نظر دارند. مبدأ این اختلاف نظر، الف) به تعبیر مختلف فقها از جوف و مصادیق آن، و ب) به برداشت فقها از مفطرات مذکور در قرآن و حدیث و روایات برمی‌گردد. به این صورت که جمهور فقها به عام بودن معنای جوف معتقد هستند و فضاهای خالی و میان تهی بدن انسان که دستگاه تناسلی نیز جزو آن است، را جوف به شمار می‌آورند و در نتیجه ورود هر شیئی چه مطعوم و خواراکی باشد و چه غیر مطعوم، را از این طُرُق با استناد به آیات، احادیث و دلایل عقلی مُبطل روزه می‌دانند و بنابراین ورود عین به شرمگاه را نیز در زیر مجموعه اُکل و شرب مذکور در آیه و مبطل به حساب می‌آورند. در مقابل، فقهای امامیه، برخی از مالکیه نظیر ابوعلی مسناوی، ابن تیمیه و ابن قیم از حنابله و نیز ظاهریه برای جوف معنایی خاص قائل هستند و دستگاه تناسلی را جزو جوف به شمار نمی‌آورند و با استناد به آیات قرآن، احادیث، روایات، دلایل عقلی و پزشکی معتقدند افطار در روزه با وصول عین به شکم از منفذ معتاد به شرط اینکه خوردنی و آشامیدنی باشد، حاصل می‌شود. پس از نقد و بررسی ادله هر دو گروه و با استناد به یافته‌های علم پزشکی قدیم و جدید و نیز بر اساس مصوبه دهمین همایش مجمع بین‌المللی فقه اسلامی در جده در سال ۱۴۱۸ ه. و نیز توجه به تأثیر اقتضائات

زمان در صدور احکام مسائل مستحدثه می‌توان گفت دیدگاه قائلان به عدم بطلان راجح به نظر می‌رسد اما به دلیل آنکه روزه جزو احکام عبادی است و در مسائل عبادی شرط اصلی بر رعایت احتیاط است لذا چنانچه ضرورتی وجود نداشته باشد، بهتر است مراجعه به پزشک، به بعد از غروب آفتاب و یا پایان ماه رمضان موکول گردد.

References

1. Ibn Manzur. M. *Lesan al-Arab*. Beirut: Dar sadr. 1414. Vol 12. p. 350. [Arabic]
2. Firuzabadi. M. *qamos al-mohit*. Beirut. Moassesat al-resaleh. 1426. Vol1. p. 1131. [Arabic]
3. Kasani. A. *baday' al-sanay'*. Beirut. Dar al-kotob al-elmiah. 1406. Vol1. p. 231-234. [Arabic]
4. Khateb al-sherbini. M. *moqni al-mohtaj*. Beirut. Dar al-kotob al-elmiah. 1415. Vol 2. p. 154-172. [Arabic]
5. Bahoti. M. *daqayeq avla al-noha le sharhe al-montaha al-marof bil sharhe monjahe al-eradat*. Beirut. A'lam al-kotob. 1414. Vol1. p. 481-487. [Arabic]
6. Ibn jazee. M. *al-qavanin al-fiqhiah*. no date. Vol 1. p. 80-81. [Arabic]
7. Helli (mohaqqeq). J. *sharaie'e al-islam*. Qom. Moasseseh esmae'lyan. 1408. Vol1. p. 392. [Arabic]
8. Dasoqi. M. *hashyeh al-dasoqi a'la al-sharhe al-kabeir*. Beirut. dar al-fikr. No Date. Vol1. p. 509. [Arabic]
9. Kasani. A. *badaye' al-sanaye'*. Beirut. Dar al-kotob al-elmiah. 1406. Vol2. p. 90. [Arabic]
10. Ramli. M. *nehayat al-mohtaj*. Beirut. dar al-fikr. 1404. Vol2. p. 146. [Arabic]
11. Bahoti. M. *ravz al-morabaa'*. Beirut. Moasesah al-resale. Vol1. p. 229. [Arabic]
12. Moqniyah. M. J. *al-fiqh a'la al-mazahib al-khamsah*. Qom. Moasesah al-ketab al-Islami. 2008. Vol1. p. 241. [Arabic]
13. Najafi. M. H. *javahir al-kalam*. Beirut. dar ehya' al-toradh al-a'rabi. 1362. Vol 16. p. 324 & 181 & 185-186. [Arabic]
14. Kasani. A. *badaye' al-sanaye'*. Beirut. Dar al-kotob al-e'lmiah. 1406. Vol2. p. 93. [Arabic]
15. Ibn a'abeden. M. A. *radd al-mohtar a'la al-dor al-mokhtar*. Beirut. dar al-fikr. 1412. Vol 2. p. 396-397 & 402-404. [Arabic]
16. Ibn nojaeim. Z. *al-bahr al-rae'eq*. Beirut. dar al-ma'rifah. no date. Vol2. p. 300 & 279. [Arabic]
17. Samarqandi. A. *tohfah al-foqaha*. Beirut. dar al-kotob al-e'lmiah. 1414. Vol1. p. 355-356. [Arabic]
18. Ibn anas. M. *al-modavvanah*. Beirut. dar al-kotob al-e'lmeyah. 1415. Vol1. p. 269. [Arabic]
19. Hattab al-roa'yni. M. *mavahib al-jalil fi sharhe mokhtasar Khalil*. Beirut. dar al-fikr. 1412. Vol2. p. 424-431. [Arabic]
20. Savi al-maleki. A. *balagat al-salek le aqhrab al-masalik al-ma'roof be hashiyeh al-savi a'la al-sharhe al-sagher*. Beirut. dar al-maa'ref. no date. vol1. p. 699 & 715. [Arabic]
21. Dasoqi. M. *hashiyeh al-dasoqi a'la al-sharhe al-kabir*. Beirut. dar al-fikr. No Date. Vol1. p. 524 & 533. [Arabic]
22. Rafe'e. A. *al-a'ziz sharhe al-vajiz*. Beirut. dar al-kotob al-e'lmeyah. 1417. Vol10. p. 333. [Arabic]
23. Navavi. Y. *al-majmoo' sharhe al-mohazzab*. Beirut. dar al-fikr. no date. Vol 6. p. 314 & vol 2. p. 73. [Arabic]
24. Ibn hajar al-hetami. A. *tohfah al-mohtaj fi sharhe al-menhaj*. Egypt. al-maktabat al-tejareyah mostafa mohammad. 1357. Vol1. p. 394. [Arabic]
25. Khateb al-sherbini. M. *moqni al-mohtaj*. Beirut. Dar al-kotob al-e'lmiah. 1415. Vol2. p. 156. [Arabic]
26. Ramli. M. *nehayat al-mohtaj*. Beirut. dar al-fikr. 1404. Vol3. p. 167. [Arabic]
27. Bahoti. M. *kashaf al-qhenaa'*. Beirut. dar al-fikr. 1402. Vol1. p. 67-68 & vol2. p. 318. [Arabic]
28. Rahebani. M. *mataleb avla al-noha fi sharhe qhayat al-monjaha*. Beirut. al-maktab al-Islami. 1415. Vol2. p. 191 & vol1. p. 481. [Arabic]
29. Ibn qodameh al-maqdesi. A. *al-moqni*. Beirut. dar al-fikr. 1405. Vol3. p. 36. [Arabic]
30. Bokhari. M. *sahih al-bokhari*. Beirut. dar toqh al-nejat. 1422. Vol 4. p. 563. [Arabic]
31. Rahebani. M. *mataleb avla al-noha fi sharhe qhayat al-monjaha*. Beirut. al-maktab al-Islami. 1415. Vol2. p. 191. [Arabic]
32. Ibn qodameh al-maqdesi. A. *al-moqni*. Beirut. dar al-fikr. 1405. Vol3. p. 36. [Arabic]
33. Termazi. M. *sonan al-termazi*. Egypt. Sherkat mostafa al-babi. 1975. Vol3. p. 146. [Arabic]
34. Albani. M. *erva al-galil fi takhrej ahades manar al-sabil*. Beirut. al-maktab al-Islami. 1405. Vol4. p. 85. [Arabic]
35. Navavi. Y. *al-majmoo' sharhe al-mohazzab*. Beirut. dar al-fikr. no date. Vol 6. p. 312. [Arabic]
36. Abu al-tayyeb. M. *a'vno al-maa'bod sharhe sonan abi davod*. Beirut. dar al-kotob al-e'lmeyah. 1415. Vol6. p. 353. [Arabic]
37. Bahoti. M. *kashaf al-qhenaa'*. Beirut. dar al-fikr. 1402. Vol1. p. 94. [Arabic]

38. Rahebani. M. *mataleb avla al-noha fi sharhe qhayat al-monjaha*. Beirut. al-maktab al-Islami. 1415. Vol2. p. 191. [Arabic]
39. Beyhaqhi. A. *al-sonan al-kobra*. Beirut. dar al-kotob al-e'lmeiyah. 1424. Vol1. p. 116. & vol2. p. 263. [Arabic]
40. Abu al-tayyib. M. *a'vno al-maa'bod sharhe sonan abi davod*. Beirut. dar al-kotob al-e'lmiyah. 1415. Vol7. p. 4. [Arabic]
41. Navavi. Y. *al-majmoo' sharhe al-mohazzab*. Beirut. dar al-fikr. no date. Vol 6. p. 317. [Arabic]
42. Ibn qodameh al-maqdesi. A. *al-moqni*. Beirut. dar al-fikr. 1405. Vol3. p. 36. [Arabic]
43. Abu davod. S. *sonan abi davod*. Beirut. dar al-resalat al-a'lameyah. 1430. Vol4. p. 54-55. [Arabic]
44. Rahebani. M. *mataleb avla al-noha fi sharhe qhayat al-monjaha*. Beirut. al-maktab al-Islami. 1415. Vol2. p. 191. [Arabic]
45. Bahoti. M. *kashaf al-qhenaa'*. Beirut. dar al-fikr. 1402. Vol2. p. 318. [Arabic]
46. Ibn a'abeden. M. A. *rad al-mohtar a'la al-dor al-mokhtar*. Beirut. dar al-fikr. 1412. Vol 2. 402-404. [Arabic]
47. Zorqhani. A'. *sharhe al-zorqhni a'la mokhtasar Khalil*. Beirut. dar al-kotob al-e'lmeiyah. 1422. Vol2. p. 362-363. [Arabic]
48. Navavi. Y. *al-majmoo' sharhe al-mohazzab*. Beirut. dar al-fikr. no date. Vol 6. p. 313. [Arabic]
49. Samarqandi. A. *tohfah al-foqaha*. Beirut. dar al-kotob al-e'lmiyah. 1414. Vol1. p. 355-356. [Arabic]
50. Bahoti. M. *kashaf al-qhenaa'*. Beirut. dar al-fikr. 1402. Vol2. p. 318. [Arabic]
51. Ibn qodameh al-maqdesi. A. *al-moqni*. Beirut. dar al-fikr. 1405. Vol3. p. 36. [Arabic]
52. Ibn homam. K. m. *fath al-qhader*. Beirut. dar al-fikr. no date. Vol2. p. 344. [Arabic]
53. Bahoti. M. *kashaf al-qhenaa'*. Beirut. dar al-fikr. 1402. Vol1. p. 115 & 122. [Arabic]
54. Navavi. Y. *al-majmoo' sharhe al-mohazzab*. Beirut. dar al-fikr. No date. Vol 2. 73. & Vol. 6. p. 314. [Arabic]
55. Ibn taymiyah. T. *majmoo' al-fatava*. Dar al-vafa. 1426. Vol25. p. 244-246. [Arabic]
56. Mehrpoor. M. *Issues of women's rights*. Tehran. E'telaa't publishing. 1379. p. 309-310.
57. Sadr. M. B. *e'qtesadona*. Beirut. 1997. p. 696.
58. Bokhari. M. *saheh al-bokhari*. Beirut. dar toqh al-nejat. 1422. Vol 5. p. 27. [Arabic]
59. Qarzavi. Y. *fiqh al-seyam*. Beirut. Moasesat al-resale. 1414. p. 97. [Arabic]
60. Qarzavi. Y. *fiqh al-seyam*. Beirut. Moaseseh al-resale. 1414. p. 97. [Arabic]
61. Navavi. Y. *al-majmoo' sharhe al-mohazzab*. Beirut. dar al-fikr. no date. Vol 6. p. 327.
62. Ibn hajar al-a'sqalani. A. *al-talkhes al-haber*. Beirut. dar al-kotob al-e'lmeiyah. 1419. Vol1. p. 332. [Arabic]
63. Shokani. M. *neal al-avtar*. Egypt. Dar al-hades. 1413. Vol4. p. 243. [Arabic]
64. Marginani. A. A. *al-hedayat sharhe bedayat al-mobtadi*. Beirut. dar ehya al-toradh al-a'rabi. no date. Vol1. p. 123. [Arabic]
65. Alfe. J. *Journal of the Islamic Fiqh Academy*. Mofterat al-sa'eim fi zavei al-mostajedat al-tebbeyah. Jeddah. 1418. p. 58. [Arabic]
66. Al bar. M. *Journal of the Islamic Fiqh Academy*. Al-mofterat fi majal al-tadavi. Jeddah. 1418. p. 155. [Arabic]
67. A'midi. F. a'basi. M. pasbakhsh. p. ashena. S. *anatomi mor*. Tehran. Nehzat poya. 1387. Vol1. p. 510. [persian]
68. Ibn sina. *Alqanoon fi al-teb*. Translation: sharafkandi. A. Tehran. Soroosh. 1389. vol5. p. 281. [persain]
69. Shokani. M. *neal al-avtar*. Egypt. Dar al-hades. 1413. Vol4. p. 243. [Arabic]
70. Albani. M. *erva al-galil fi takhrej ahades manar al-sabil*. Beirut. al-maktab al-Islami. 1405. Vol4. p. 85. [Arabic]
71. Ibn majah. M. *sonan ibn majah*. Beirut. dar al-resalah al-a'lamiyah. 1430. Vol1. p. 536. [Arabic]
72. Termazi. M. *sonan al-termazi*. Egypt. Sherkat mostafa al-babi. 1975. Vol3. p. 105. [Arabic]
73. Marginani. A. A. *al-hedayah sharhe bedayat al-mobtadi*. Beirut. dar ehya al-toradh al-a'rabi. no date. Vol1. p. 120. [Arabic]
74. Ibn taymiyah. T. *majmoo' al-fatava*. Dar al-vafa. 1426. Vol25. p. 233-234. [Arabic]
75. Ibn hazm. M. *al-mohalla*. Beirut. dar al-fikr. no date. Vol4. p. 141-143. [Arabic]

76. Navavi. Y. *al-majmoo' sharhe al-mohazzab*. Beirut. dar al-fikr. No date. Vol 6. p. 348. [Arabic]
77. Dasoqi. M. *hashyeh al-dasoqi a'la al-sharhe al-kabir*. Beirut. dar al-fikr. No Date. Vol1. p. 524. [Arabic]
78. Ibn a'abedin. M. A. *rad al-mohtar a'la al-dor al-mokhtar*. Beirut. dar al-fikr. 1412. Vol 2. p. 402-403. [Arabic]
79. Zorqhani. A'. *sharhe al-zorqhni a'la mokhtasar Khalil*. Beirut. dar al-kotob al-e'lmiyah. 1422. Vol2. p. 362-363. [Arabic]
80. Navavi. Y. *al-majmoo' sharhe al-mohazzab*. Beirut. dar al-fikr. no date. Vol 6. p. 313. [Arabic]
81. Samarqandi. A. *tohfah al-foqaha*. Beirut. dar al-kotob al-e'lmiyah. 1414. Vol1. p. 355-356. [Arabic]
82. Bahoti. M. *kashaf al-qhenaa'*. Beirut. dar al-fikr. 1402. Vol2. p. 318. [Arabic]
83. Ibn qodameh al-maqdesi. A. *al-moqni*. Beirut. dar al-fikr. 1405. Vol3. p. 36. [Arabic]
84. Alfe. J. *Journal of the Islamic Fiqh Academy*. Mofterat al-saeim fi zavei al-mostajedat al-tebbeyah. Jeddah. 1418. p. 58. [Arabic]
85. Al bar. M. *Journal of the Islamic Fiqh Academy*. Al-mofterat fi majal al-tadavi. Jeddah. 1418. p. 155. [Arabic]
86. A'midi. F. a'basi. M. pasbakhsh. p. ashena. S. *anatomi mor*. Tehran. Nehzat poya. 1387. Vol1. p. 510. [Persian]
87. Ibn sina. *Alqanon fi al-teb*. Translation: sharafkandi. A. Tehran. Sorosh. 1389. vol5. p. 281. [Persian]
88. Rahebani. M. *mataleb avla al-noha fi sharhe qhayat al-monjaha*. Beirut. al-maktab al-Islami. 1415. Vol2. p. 191. [Arabic]
89. Ibn taymeeh. T. *majmoo' al-fatava*. Dar al-vafa. 1426. Vol25. p. 233-250. [Arabic]
90. Ibn al-qhayym. M. *zad al-maa'ad fi haye khair al-e'baad*. Beirut. Moaseseh al-resale. 1415. Vol2. p. 59-60. [Arabic]
91. Ibn hazm. M. *al-mohalla*. Beirut. dar al-fikr. no date. Vol4. p. 323-324. & p. 335-348. [Arabic]
92. Savi al-maleki. A. *balagat al-salek le aqhrab al-masalek al-maa'rof be hashyeh al-savi a'la al-sharhe al-sagher*. Beirut. dar al-maa'raf. no date. vol1. p. 715. [Arabic]
93. Tusi. M. *al-khilaf*. Qom. Moaseseh al-nashr al-Islami. 1407. Vol3. p. 202. [Arabic]
94. Khoee. A. *ketab al-savm*. Qom. Publisher al-e'lmyyah. 1364. Vol1. p. 85-86. [Arabic]
95. Najafi. M. H. *jawahir al-kalam*. Beirut. dar ehya' al-toradh al-a'rabi. 1362. Vol 17. p. 224 & vol16. p. 232-236. [Arabic]
96. Tabatabaee yazdi. S. m. k. *u'rwat al-vosqha*. Qom. Moaseseh al-nashr al-Islami. 1420. Vol3. p. 542-543. [Arabic]
97. Tabatabaee al-hakeem. M. *mostamsak al-u'vah*. Beirut. dar ehya al-toradh al-a'rabi. Vol8. p. 233. [Arabic]
98. Bokhari. M. *saheh al-bokhari*. Beirut. dar toqh al-nejat. 1422. Vol 3. p. 24. [Arabic]
99. Ibn hazm. M. *al-mohalla*. Beirut. dar al-fikr. No date. Vol4. p. 323-324 & 335-348 & 351. [Arabic]
100. Khoee. A. *ketab al-savm*. Qom. Publisher al-e'lmyyah. 1364. Vol1. p. 85-86. [Arabic]
101. Ibn taymeeh. T. *majmoo' al-fatava*. Dar al-vafa. 1426. Vol25. p. 234. [Arabic]
102. Al-salami. M m. *Journal of the Islamic Fiqh Academy*. Al-mofterat. Jeddah. 1418. p. 31. [Arabic]
103. Ibn hajar al-asqalani. A. *fath al-bari sharhe saheh al-bokhari*. Beirut. dar al-ma'rifah. 1379. Vol4. p. 152. [Arabic]
104. Zorqhani. M. *sharhe al-zorqhani a'la mavatta al-Imam malek*. Cairo. Maktab al-saqhfa al-deneyah. 1424. Vol2. p. 241. [Arabic]
105. Tusi. M. *al-estebsar*. Tehran. Dar al-kotob al-Islameyah. 1390. Vol. 2. p. 90. [Arabic]
106. Horre a'amel. M. *vasayel al-shia'aqom*. Moaseseh aal al-beait. No Date. Vol10. p. 75. [Arabic]
107. Taskhiri. M. A. *Journal of the Islamic Fiqh Academy*. Zabet al-mofterat fi majal al-tadavi al-akl wa al-shorb. Jeddah. 1418. Vol10. p. 663-699. [Arabic]
108. Tusi. M. *al-estebsar*. Tehran. Dar al-kotob al-Islameyah. 1390. Vol. 2. p. 83. [Arabic]
109. Kolaini. M. *al-kafi*. Tehran. Dar al-kotob al-Islameyah. 1386. Vol 2. p. 157. [Arabic]
110. Horre a'amel. M. *vasayel al-shia'aqom*. Moaseseh aal al-beait. No Date. Vol10. p. 42. [Arabic]
111. Horre a'amel. M. *vasayel al-shia'aqom*. Moaseseh aal al-beait. No Date. Vol10. p. 41-42. [Arabic]
112. Kolaini. M. *al-kafi*. Tehran. Dar al-kotob al-Islameyah. 1386. Vol 4. p. 157. [Arabic]
113. Helli (a'llamah). *Mokhtalaf al-shia'aQom*. Moaseseh al-nashr al-Islami. 1413. Vol 3. p. 410. [Arabic]

114. Ansari. M. *ketab al-sawm*. Qom. Moaseseh al-nashr al-Islami. No Date. p. 142. [Arabic]
115. Mousavi Khomeini (Imam). R. *tahrer al-vaselah*. Qom. Moaseseh al-u'roj. 1434. Vol1. p. 293. [Arabic]
116. Mousavi a'ameli. S. m. *Madarek al-ahkam*. Qom. Moaseseh aal al-bait le ehya al-toradh. No Date. Vol 6. p. 54. [Arabic]
117. Tusi. M . *al-khilaf*. Qom. Moaseseh al-nashr al-Islami. 1407. Vol3. p. 202-203. [Arabic]
118. Alfe. J. *Journal of the Islamic Fiqh Academy*. Mofterat al-saeim fi zavei al-mostajedat al-tebbeyah. Jeddah. 1418. p. 12-13. [Arabic]
119. Shaltut. M. *al-fatava*. Beirut. dar al-shorugh. 1424. p. 149. [Arabic]
120. Alfe. J. *Journal of the Islamic Fiqh Academy*. Mofterat al-saeim fi zavei al-mostajedat al-tebbeyah. Jeddah. 1418. p. 13. [Arabic]
121. Hasan abbas. F. *al-tebyan va al-ethaf fi ahkam al-seyam va al-ee'tekaf*. Beirut. dar al-forqan lel nashr va al-toze'. 1996. p. 114.
122. Navavi. Y. *al-majmoo' sharhe al-mohazzab*. Beirut. dar al-fikr. No date. Vol 6. p. 314 & vol 2. p. 73. [Arabic]
123. Ibn a'abeden. M. A. *radd al-mohtar a'la al-dor al-mokhtar*. Beirut. dar al-fikr. 1412 Vol 1. p. 149. [Arabic]
124. Ibn Manzour . M. *Lesan al-Arab*. Beirut: Dar sadr. 1414. Vol 5. p. 55-59. [Arabic]
125. Firuzabadi. M. *qamos al-mohet*. Beirut. Moaseseh al-resaleh. 1426. Vol1. p. 456-457. [Arabic]
126. Sheikh al-Islami. M. *rahnamay mazhab shafi'i*. Tehran. University of Tehran. Vol1. p. 71. [Persian]
127. Hosaini. S. m. *farhang loghat va estelahat fiqhhi*. Tehran. Sorosh. 1385. p. 493. [Persian]
128. Ibn nojaeim. Z. *al-bahr al-raeeq*. Beirut. dar al-maa'refah. no date. Vol2. p. 291-298. [Arabic]
129. Ibn a'abeden. M. A. *rad al-mohtar a'la al-dor al-mokhtar*. Beirut. dar al-fikr. 1412. Vol 2. p. 394-398. [Arabic]
130. Khateb al-sheerbini. M. *moqni al-mohtaj*. Beirut. Dar al-kotobe al-e'lmeeh. 1415. Vol2. p. 177. [Arabic]
131. Khateb al-sheerbini. M. *moqni al-mohtaj*. Beirut. Dar al-kotobe al-e'lmeeh. 1415. Vol2. p. 177. [Arabic]
132. Hattab al-roa'yni. M. *mawahib al-jalil fi sharhe mokhtasar Khalil*. Beirut. dar al-fikr. 1412. Vol2. p. 392. [Arabic]
133. Najafi. M. H. *jawahir al-kalam*. Beirut. dar ehya'e' al-toradh al-a'rabi. 1362. Vol 17. p. 207. [Arabic]
134. Termazi. M. *sonan al-termazi*. Egypt. Sherkat mostafa al-babi. 1975. Vol3. p. 98. [Arabic]
135. Ibn nojaeim. Z. *al-bahr al-raeeq*. Beirut. dar al-maa'refah. Vol2. p. 298. [Arabic]
136. Ibn a'abeden. M. A. *rad al-mohtar a'la al-dor al-mokhtar*. Beirut. dar al-fikr. 1412. Vol 2. p. 394-398. [Arabic]
137. Khateb al-sheerbini. M. *moqni al-mohtaj*. Beirut. Dar al-kotobe al-e'lmeeh. 1415. Vol2. p. 177. [Arabic]
138. Bahoti. M. *kashaf al-qhenaa'*. Beirut. dar al-fikr. 1402. Vol2. p. 323-324. [Arabic]
139. Hattab al-roa'yni. M. *mawahib al-jalil fi sharhe mokhtasar Khalil*. Beirut. dar al-fikr. 1412. Vol2. p. 392. [Arabic]
140. Najafi. M. H. *jawahir al-kalam*. Beirut. dar ehya'e' al-toradh al-a'rabi. 1362. Vol 17. p. 207. [Arabic]
141. Ibn nojaeim. Z. *al-bahr al-raeeq*. Beirut. dar al-maa'refah. Vol2. p. 291-298. [Arabic]
142. Ibn a'abeden. M. A. *rad al-mohtar a'la al-dor al-mokhtar*. Beirut. dar al-fikr. 1412. Vol 2. p. 394-398. [Arabic]
143. Bahoti. M. *kashaf al-qhenaa'*. Beirut. dar al-fikr. 1402. Vol2. p. 323-324. [Arabic]
144. Hattab al-roa'yni. M. *mawahib al-jalil fi sharhe mokhtasar Khalil*. Beirut. dar al-fikr. 1412. Vol2. p. 392. [Arabic]
145. Najafi. M. H. *jawahir al-kalam*. Beirut. dar ehya'e' al-toradh al-a'rabi. 1362. Vol 17. p. 207. . [Arabic]
146. Dasoqi. M. *hashyeh al-dasoqi a'la al-sharhe al-kabeir*. Beirut. dar al-fikr. No Date. Vol1. p. 523-527. [Arabic]
147. Moqniyah. M. J. *al-fiqh a'la al-mazaheb al-khamsah*. Qom. Moaseseh al-ketab al-Islami. 2008. Vol1. p. 248-252. [Arabic]
148. Khateb al-sheerbini. M. *moqni al-mohtaj*. Beirut. Dar al-kotobe al-e'lmeeh. 1415. Vol2. p. 154-161. [Arabic]
149. Ibn qodameh al-maqdesi. A. *al-moqni*. Beirut. dar al-fikr. 1405. Vol3. p. 119-124. [Arabic]

150. Zeylae'. U. *tabeen al-haqhyeqh*. Cairo. Dar al-kotob al-Islami. 1313. Vol1. p. 322-331. [Arabic]
151. Dasoqi. M. *hashyeh al-dasoqi a'la al-sharhe al-kabeir*. Beirut. dar al-fikr. No Date. Vol1. p. 523-524. [Arabic]
152. Mousavi Khomeini (Imam). R. *tahrer al-vaselah*. Tehran. Foundation for Archeology and Publishing. Imam Khomeini. 1385. Vol1. p. 318-326. [Arabic]
153. Najafi. M. H. *jawahir al-kalam*. Beirut. dar ehya' al-toradh al-a'rabi. 1362. Vol 16. p. 217-246. [Arabic]
154. Khateb al-sherbini. M. *moqni al-mohtaj*. Beirut. Dar al-kotobe al-e'lmeeh. 1415. Vol2. p. 154-161. [Arabic]
155. Ibn qodameh al-maqdesi. A. *al-moqni*. Beirut. dar al-fikr. 1405. Vol3. p. 119-124. [Arabic]
156. Dasoqi. M. *hashyeh al-dasoqi a'la al-sharhe al-kabeir*. Beirut. dar al-fikr. No Date. Vol1. p. 523-527. [Arabic]
157. Khateb al-sherbini. M. *moqni al-mohtaj*. Beirut. Dar al-kotobe al-e'lmeeh. 1415. Vol2. p. 154-161. [Arabic]
158. Ibn qodameh al-maqdesi. A. *al-moqni*. Beirut. dar al-fikr. 1405. Vol3. p. 119-124. [Arabic]
159. Zeylae'. U. *tabeen al-haqhyeqh*. Cairo. Dar al-kotob al-Islami. 1313. Vol1. p. 322-331. [Arabic]
160. Dasoqi. M. *hashyeh al-dasoqi a'la al-sharhe al-kabir*. Beirut. dar al-fikr. No Date. Vol1. p. 523-524. [Arabic]
161. Moqniyah. M. J. *al-fiqh a'la al-mazaheb al-khamsah*. Qom. Moaseseh al-ketab al-Islami. 2008. Vol1. p. 248-252. [Arabic]
162. Ibn roshd al-hafid. M. *bedayat al-mojtahed va nahayat al-moqhtasid*. Cairo. Dar al-hadis. 1425. Vol2. p. 52. [Arabic]
163. Fayumi. A. *mesbah al-monir*. . Beirut. al-maktab al-e'meyah. No date. Vol1. p. 115. [Arabic]
164. Johari. E. *al-sehah*. Beirut. dar al-e'lm lel malaiin. 1990. Vol5. p. 25-26. [Arabic]
165. Ibn Manzour . M. *Lesan al-Arab*. Dar sadr. 1414. Vol 9. p. 35-38. [Arabic]
166. A'bdari. M. *al taj va al-eklil*. Beirut. dar al-fikr. 1398. Vol6. p. 258. [Arabic]
167. Ibn a'abeden. M. A. *rad al-mohtar a'la al-dor al-mokhtar*. Beirut. dar al-fikr. 1412. Vol 2. p. 402 & vol 6. p. 554-556. [Arabic]
168. Khateb al-sherbini. M. *moqni al-mohtaj*. Beirut. Dar al-kotobe al-e'lmeeh. 1415. Vol5. p. 304. [Arabic]
169. Bahoti. M. *kashaf al-qhenaa'*. Beirut. dar al-fikr. 1402. Vol6. p. 54. [Arabic]
170. Mousavi Khomeini (Imam). R. *tahrer al-vaselah*. Tehran. Foundation for Archeology and Publishing. Imam Khomeini. 1385. Vol2. p. 632 & 619. [Arabic]
171. Najafi. M. H. *jawahir al-kalam*. Beirut. dar ehya' al-toradh al-a'rabi. 1362. Vol 43. p. 338. [Arabic]
172. Daremi. A'. *sonan al-daremi*. Beirut. dar al-bashaeir. 2013. p. 566. [Arabic]
173. Ibn nojaeim. Z. *al-bahr al-raeeq*. Beirut. dar al-maa'refah. Vol2. p. 279& 300. [Arabic]
174. Kasani. A. *baday' al-sanay'*. Beirut. Dar al-kotobe al-e'lmeeh. 1406. Vol4. p. 270-271. Vol2. p. 93. [Arabic]
175. Ibn a'abeden. M. A. *rad al-mohtar a'la al-dor al-mokhtar*. Beirut. dar al-fikr. 1412. Vol 2. p. 396-397 & 402-404. [Arabic]
176. Samarqandi. A. *tohfah al-foqaha*. Beirut. dar al-kotob al-e'lmeyah. 1414. Vol1. p. 355-356. [Arabic]
177. Ibn anas. M. *al-modavvanah*. Beirut. dar al-kotob al-e'lmeyah. 1415. Vol1. p. 269. [Arabic]
178. Dasoqi. M. *hashyeh al-dasoqi a'la al-sharhe al-kabeir*. Beirut. dar al-fikr. No Date. Vol5. p. 123-124. [Arabic]
179. Savi al-maleki. A. *balagat al-salek le aqhrab al-masalek al-maa'rof be hashyeh al-savi a'la al-sharhe al-sagher*. Beirut. dar al-maa'ref. vol1. p. 715-716. [Arabic]
180. Hattab al-roa'yni. M. *mawahib al-jalil fi sharhe mokhtasar Khalil*. Beirut. dar al-fikr. 1423. Vol3. p. 349-345. [Arabic]
181. Dasoqi. M. *hashyeh al-dasoqi a'la al-sharhe al-kabir*. Beirut. dar al-fikr. No Date. Vol1. p. 523-524. [Arabic]
182. A'beed. K. *fiqh al-e'badat a'la al-mazhab al-maleki*. Damascus. Matbaa'h. al-insha. 1406. p. 310. [Arabic]
183. Khaarashi. M. *sharhe mokhtasar Khalil lel kharshe*. Beirut. dar al-fikr. No Date. Vol2. p. 249. [Arabic]
184. Zorqhani. A'. *sharhe al-zorqhni a'la mokhtasar Khalil*. Beirut. dar al-kotob al-e'lmeyah. 1422. Vol2. p. 361-362. [Arabic]
185. Hattab al-roa'yni. M. *mawahib al-jalil fi sharhe mokhtasar Khalil*. Beirut. dar al-fikr. 1423. Vol3. p. 349-345. [Arabic]

186. Ibn anas. M. *al-modavvanah*. Beirut. dar al-kotob al-e'lmeyah. 1415. Vol1. p. 269. [Arabic]
187. Savi al-maleki. A. *balagat al-salek le aqhrab al-masalek al-maa'rof be hashyeh al-savi a'la al-sharhe al-sagher*. Beirut. dar al-maa'ref. vol1. p. 699 & 715. [Arabic]
188. Dasoqi. M. *hashyeh al-dasoqi a'la al-sharhe al-kabeir*. Beirut. dar al-fikr. No Date. Vol1. p. 524-533. [Arabic]
189. Hattab al-roa'yni. M. *mawahib al-jalil fi sharhe mokhtasar Khalil*. Beirut. dar al-fikr. 1423. Vol3. p. 374. [Arabic]
190. Navavi. Y. *al-majmoo' sharhe al-mohazzab*. Beirut. dar al-fikr. no date. Vol 6. p. 314-312 & vol 2. p. 73. [Arabic]
191. Ansari. Z. *al-gharar al-baheyah fi sharhe al-bahjat al-vardeyah. Al-matbaa' al-maimaneyah*. No date. Vol2. p. 213. [Arabic]
192. Khateb al-sheerbini. M. *al-eqhnaa'*. Beirut. dar al-fikr. 1415. Vol1. p. 237. [Arabic]
193. Khateb al-sheerbini. M. *moqni al-mohtaj*. Beirut. Dar al-kotobe al-e'lmeeh. 1415. Vol2. p. 156. [Arabic]
194. Ghazali. M. *al-vaset*. Cairo. Dar al-salam. 1417. Vol2. p. 525. [Arabic]
195. Rafe'e. A. *al-a'ziz sharhe al-vajiz*. Beirut. dar al-kotob al-e'lmeyah. 1417. Vol10. p. 333. [Arabic]
196. Ibn hajar al-hetami. A. *tohfah al-mohtaj fi sharhe al-menhaj*. Egypt. al-maktaba al-tejareyah mostafa mohammad. 1357. Vol1. p. 394. [Arabic]
197. Ramli. M. *nehayat al-mohtaj*. Beirut. dar al-fikr. 1404. Vol3. p. 167. [Arabic]
198. Ibn qodameh al-maqdesi. A. *al-moqni*. Beirut. dar al-fikr. 1405. Vol3. p. 36. [Arabic]
199. Ibn mofleh. M. *al-foro' va tasheh al-foro'*. Maktabah al-madenah al-raqhameyah. 1424. Vol5. p. 7. [Arabic]
200. Mardavi. A'. *al-insaf*. Beirut. dar ehya'e' al-toradh al-a'rabi. 1419. vol3. p. 212 & 217. [Arabic]
201. Bahoti. M. *kashaf al-qhenaa'*. Beirut. dar al-fikr. 1402. Vol1. p. 67-68 & vol2. p. 318. [Arabic]
202. Rahebani. M. *mataleb avla al-noha fi sharhe qhayat al-monjaha*. Beirut. al-maktab al-Islami. 1415. Vol2. p. 191 & vol1. p. 481. [Arabic]
203. Khoei. A. *ketab al-savm*. Qom. Publisher al-e'lmeyah. 1364. Vol1. p. 85. [Arabic]
204. Najafi. M. H. *jawahir al-kalam*. Beirut. dar ehya'e' al-toradh al-a'rabi. 1362. Vol 17. p. 224. & vol 16. p. 232-236. [Arabic]
205. Tabatabaee yazdi. S. m. k. *u'rwat al-vosqa*. Qom. Moaseseh al-nashr al-Islami. 1420. Vol3. p. 542-543. [Arabic]
206. Kharazmi. M. *mafateh al-uo'lom*. Beirut. dar al-ketab al-arabi. No date. p. 183. [Arabic]
207. Tahanavi. M. *kashshaf estelahat uo'lom va fonon*. Beirut. maktabah Lebanon nasheron. 1996. Vol1. p. 602. [Arabic]
208. Ibn sina. *Alqanoon fi al-teb*. Translation: sharafkandi. A. Tehran. Sorosh. 1389. Vol2. p. 253 & 301-312. & vol3. p. 546 & 552. [Persian]
209. Voldan. M. maksori rad. A'. abtahi. Sh. Nekpoor. M. *Pregnancy and childbirth Williams*. Tehran. Arjomand. 1393. Vol1. p. 36-55. [Persian]
210. Qhazi jahan. B. zanizi. A. bahrami. N. *Women's diseases Berek & Novak*. p. ublishers golban. 1388. p. 3-100. [Persian]
211. Hasanzadeh, GH; Nobakht, m ; fazelipor, s.; talaee, t.; noori mogahi, s. m. h.; avrazi zadeh, m.; ghorbani. R. *Basic histology*. Tehran. Pabliher khosravi. 1389. p. 510. [Persian]
212. A'midi, f.; a'bbasi, m.; sobhani, A'. GH.; khanlari. N.; omidi, A. *Snell Systemic Anatomy2*. Tehran. Pabliher khosravi. 1391. p. 698. [Persian]
213. Voldan. M. maksori rad. A'. abtahi. Sh. Nekpoor. M. *Pregnancy and childbirth Williams*. Tehran. Arjomand. 1393. Vol1. p. 36-55. [Persian]
214. A'midi. F. a'basi. M. pasbakhsh. p. ashena. S. *anatomi MOR*. Tehran. Nehzat poya. 1387. Vol1. p. 510. [Persian]
215. Majosi ahvazi. A'. *kamel al-sanaa'h al-tebbyah*. Translation: gaffari. M. kh. Tehran. 1388. Vol1. p. 264. [Arabic]
216. Ibn sina. *Alqanon fi al-teb*. Translation: sharafkandi. A. Tehran. Soroosh. 1389. vol5. p. 281. [Persian]
217. Bioos, S. Nekoolaltak, M. Tansaz. M. Mosleh. R. The anatomy of the female internal genitalia in Iranian traditional medicine and comparsion with modern medicine findings. *Shahid Beheshti University. Medical History*, Vol. 7 No. 23 (1394), 17 December 2015, p. 69-97. [Persian]
218. Siuoti. A'. R. *al-ashbah va al-nazayer*. Beirut. dar al-kotob al-e'lmeyah. 1411. p. 76. [Arabic]

219. Ibn homam. K. m. *fath al-qhader*. Beirut. dar al-fikr. Vol2. p. 344. [Arabic]
220. Alfe. J. *Journal of the Islamic Fiqh Academy*. Mofterat al-sa'eim fi zavei al-mostajedat al-tebbeyah. Jeddah. 1418. p. 58. [Arabic]
221. Al bar. M. *Journal of the Islamic Fiqh Academy*. Al-mofterat fi majal al-tadavi. Jeddah. 1418. p. 155. [Arabic]
222. Bokhari. M. *sehad al-bokhari*. Beirut. dar toqh al-nejat. 1422. Vol 1. p. 73. [Arabic]
223. Bokhari. M. *sehad al-bokhari*. Beirut. dar toqh al-nejat. 1422. Vol 1. p. 230. [Arabic]
224. Souoti. A'. R. *al-ashbah va al-nazayer*. Beirut. dar al-kotob al-e'lmeyah. 1411. p. 60. [Arabic]
225. Beyhaqhi. A. *al-sonan al-kobra*. Beirut. dar al-kotob al-e'lmeyah. 1424. Vol10. p. 21. [Arabic]
226. Souoti. A'. R. *al-ashbah va al-nazayer*. Beirut. dar al-kotob al-e'lmeyah. 1411. p. 84. [Arabic]
227. Zarq'a. M. A. *al-madkhal al-fiqhi al-a'am*. Damascus. Matabee' alef baa. 1387. Vol2. p. 941-942. [Arabic]
228. Ayazi. S. M. A. The effect of time and place on understanding the Qur'an. *Proceedings of the Congress for the Study of the Jurisprudential Principles of Imam Khomeini*. 1374. Qom. Moasesei tanzim va kashre asare imam khomaini. Vol8. p. 18. [in Persian].
229. Wae'zi. A. *Religion and civil society*. Book Review Magazine. 1377-1378. Vol9&10. p. 236. [in Persian]
230. Organization of the Islamic Conference. *Journal of the Islamic Fiqh Academy*. Jeddah. 1418. Vol10. p. 913. [Arabic]
231. Al bar. M. *Journal of the Islamic Fiqh Academy*. Al-mofterat fi majal al-tadavi. Jeddah. 1418. Vol10. p. 727 & 735. [Arabic]
232. Shami pasha. H. *Journal of the Islamic Fiqh Academy*. Al-tadavi va al-mofterat. Jeddah. 1418. Vol10. p. 754. [Arabic]
233. Hamd hamd. J. *ahkam al-sharee'yah fi zavei al-mostajedat al-tebbeyah va al-bulojeyah al-a'sreyah*. Beirut. dar al-maa'refah. 1431. p. 276-277. [Arabic]
234. Islamic Orbit and Polls Center. *Farhang nameh usul fiqh*. Qom. research institute of Islamic sciences and culture. 1389. p. 204-205. [Persian]
235. Hosaini. S. m. *farhang loghat va estelahat fiqhhi*. Tehran. Soroosh. 1385. p. 15. [Persian]
236. Navavi. Y. *sharhe al-navavi a'la sehad moslim*. Beirut. dar al-ehya al-toradh al-arabi. 1392. Vol3. p. 179. [Arabic]
237. Ibn abedin. M. A. *rad al-mohtar a'la al-dor al-mokhtar*. Beirut. dar al-fikr. 1412. Vol 2. p. 300. [Arabic]
238. Zabidi al-yamaki. A. *javharat al-nerah*. Al-matba' al-khairiyah. 1332. Vol1. p. 58. [Arabic]
239. Samaee'. M. o. *nazaryah al-ehteyat al-fiqhee*. College of Graduate Studies University of Jordan. 2006. p. 236-239. [Arabic]
240. Abu davod. S. *sonan abi davod*. Beirut. dar al-resalah al-alamyiah. 1430. Vol4. p. 54-55. [Arabic]
241. Navavi. Y. *al-ma'jmoo' sharhe al-mohazzab*. Beirut. dar al-fikr. no date. Vol 6. p. 313. [Arabic]
242. Dasoqi. M. *hashyeh al-dasoqi a'la al-sharhe al-kabir*. Beirut. dar al-fikr. No Date. Vol1. p. 523-527. [Arabic]
243. Ibn hazm. M. *al-mohalla*. Beirut. dar al-fikr. no date. Vol4. p. 335-355. [Arabic]
244. Ibn taymiah T. *majmoo' al-fatawa*. Dar al-vafa. 1426. Vol25. p. 233-250. [Arabic]
245. Hattab al-roa'yni. M. *mavahib al-jalil fi sharhe mokhtasar Khalil*. Beirut. Dar al-fikr. 1423. Vol3. p. 374. [Arabic]
246. Bokhari. M. *sehad al-bokhari*. Beirut. dar toqh al-nejat. 1422. Vol 15. p. 397 & vol16. p. 244. [Arabic]
247. Termazi. M. *sonan al-termazi*. Egypt. Sherkat mostafa al-babi. 1975. Vol5. p. 86. [Arabic]



MFJ

Med Fighh Journal

2021; 14(42): e7

Journal Homepage: <http://journals.sbm.ac.ir/en-mf>



ORIGINAL Article

The effect of women's medical examinations on fasting validity during Ramadan; A Comparative Study of the Jurisprudence of Islamic Religions

Soheila Rostami^{1*} 

1. Assistant Professor, Department of Shafi'i Jurisprudence, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article history:

Received: 21 Sept 2020

Accepted: 1 Dec 2020

Published online: 16 Jan 2021

Keywords:

Women's

Ramadhān

Islamic Religions

Medical Examination

ABSTRACT

Background and Aim: Medical examinations and treatments are inevitable for everyone. One of the most important issues for women is to visit a doctor during the fasting in Ramaḍān for the treatment of certain diseases of the genital tract. In this study, relying on the principles of Islamic jurisprudence by following the original jurisprudential sources, we seek the answer to the question that if a woman in Ramadan due to genital diseases to visit a doctor for treatment, the treatment will invalidate the fast or is the fast still valid?

Materials and Methods: The present study is a descriptive-analytical method of content analysis to examine and explain the ruling of examining the genital tract in the fasting by comparative analysis in the jurisprudential texts of Islamic religions.

Conclusion: The jurists of Islamic religions have expressed two views in favor of the invalidity of the reproductive system on Ramaḍān, for and against the invalidity of fasting, citing verses, hadiths and narrations, rational and medical reasons. Relying on the reasons presented by those who believe in the validity of fasting and also considering the effect of time requirements on the issuance of rulings on emerging issues and advances in medical science, as well as the need for examination and treatment, the opponents' views is strengthened.

* Corresponding Author: **Soheila Rostami**

Address: University of Kurdistan, Sanandaj, Iran

Email: s.rostami@uok.ac.ir

© Copyright (2018) Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Cite this article as: Soheila R, The effect of women's medical examinations on fasting validity during Ramadan; A Comparative Study of the Jurisprudence of Islamic Religions. *Med Fighh J* 2021; 14(42): e7.